

فصل سوم

نقل و انتقال برق با فشار قوی

دخات شرکتهای امتیازدار

ساختمان و نگاهداری خطهای نقاله که مرکزهای تولید و شبکههای بخش را یکدیگر مربوط میسازد ممکن است توسط شرکتهای گیرنده امتیاز تأمین شود این دستگاهها سالانه مبلغی با همان شرایطی که برای امتیاز تولید برق مقرر است دریافت میدارند .
مقررات مربوط باسقاط امتیاز چنانکه سابقاً در مورد امتیاز تولید و توزیع گفته شد مشمول این نوع امتیاز نیز میشود . همچنین مقررات مربوط بدستفرد و باز نشستگی ارمندان .

دستگاههای جمع آوری برای انتقال نیرو (۱)

بمنظور آنکه نیروی برق بطرز بهتری بخش شود تشکیل دستگاهی مخصوص از طرف دولت برای ساختمان و بهره برداری شبکه ای از خطهای نقاله برق با فشار قوی لازم میآید کارخانه های مولد را با یکدیگر مربوط و آنها را با ایستگاههای فرعی تبدیل قوه که از آنها خطهای انشعابی برای توزیع برق متفرع میگردند مرتبط سازد .
هر چند قانون فوق بمرحله عمل در نیامده لیکن این اندیشه بعدها بصورت دیگری بلوه گرفته است . بنابر قانون جدید (۲) در ظرف مدت یکسال باید سه گروه شرکت تشکیل داد که هر یک از آنها در قسمتی از کشور کلیه خطها و پستهای الحاقی را که در آن زمان به ۲۲ کیلوات با امتیاز و گذار شده بود یکدیگر مربوط و ملحق ساخته و دستگاه واحدی ای نقل نیروی برق با فشار خیلی قوی تشکیل دهند .
امتیاز دستگاههای برق با فشار خیلی قوی از آن بیعد الزاماً باید یکی از آن سه شرکت بزرگ و گذار شود و شرکتهایی که در آن زمان دارای امتیاز بودند باید تمامی

1- Les organismes collectifs de transport

۲- قانون ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۱

دستگاههای خود را با اموال و حقوق و تعهدات مربوط بشرکتهای جدید واگذار کرده در مقابل سهام نماینده سرمایه دریافت دارند.

تعیین رئیسان و مدیران شرکتهای سه گانه منوط بموافقت ضمنی وزیر میباشد؛ یک نفر نماینده از طرف دولت برای هر یک از این شرکتها تعیین مینمایند. یک دستگاه برای تطبیق عملیات از طرف شرکتهای سه گانه تأسیس میشود که وظیفه آن تهیه دستورالعمل عمومی و مشترک برای ساختمان و بهره برداری مؤسسات میباشد.

ملی کردن برق

در سال ۱۹۴۶ تولید برق، انتقال و پخش و نیز صادر و وارد کردن آن در فرانسه ملی شده است (۱). دستگاههای مولد برق که تولید متوسط آنها در ۱۹۴۲-۱۹۴۳ از ۱۲ ملیون کیلووات پایین تر باشد از قانون ملی شدن مستثنی هستند.

مباشرت و تصدی دستگاههای ملی شده بیک مؤسسه عمومی ملی واگذار شده که دارای جنبه صنعتی و بازرگانی میباشد و آنرا «برق فرانسه، خدمت ملی (۲)» نامند. الکتریسته فرانسه برای تولید نیرو تحت نظر و اداره خود قسمتهائی دارد که اساسنامه آن را قانون معین مینماید. عمل توزیع بوسیله مؤسسات عمومی دارای جنبه صنعتی و بازرگانی اداره میشود و آنها را «الکتریسته فرانسه سرویس پخش (۳)» نامند که دنبال آن نام جغرافیائی مربوط گذارده میشود.

دستگاههای «برق فرانسه» دارای استقلال مالی و در نتیجه استقلال فنی و بازرگانی میباشد. برای اداره امور مالی و محاسباتی خود از قواعد مربوط بشرکتهای صنعتی و بازرگانی متابعت میکنند. این دستگاهها مشمول مالیات و تحت نظارت مالی نماینده حسابداری وزارت دارائی هستند.

دستگاههای ملی شده را شورائی اداره مینماید مرکب از نمایندگان دولت مصرف کنندگان و کارمندان. سرمایه آنها عبارت از مانده ویژه اموال و حقوق:

۱- قانون ۸ آوریل ۱۹۴۶ راجع بملی کردن گاز و برق فرانسه

2- Electricité de France, Service national.

3- Electricité de France, Service de distribution.

اهداتی است که بآنها منتقل گردیده و این سرمایه متعلق بملت میباشد. امور مالی آنرا
 تحت صندوق ملی تجهیزات برق و گاز اداره میشود. در قبال حقوق و تعهداتی که بینکاههای
 برق تعلق داشته و بعد ملی شده است پرداخت مبالغی مابازاء پیش بینی گردیده است (۱)



۱- قوانین مربوط برق بخصوص قانون ۱۹۱۹ و ۱۹۰۶ تا آنجا که مغایر با قانون جدید
 شد همچنان باقی و نافذ است.

بخش دوم

معادله

بخش دوم

معادن

طرح مسائل مربوط به معدن - چنانکه میدانیم توده‌هاور گه‌های بسیار از مواد گوناگون در زیر زمین و مجزای از آن وجود دارد که استفاده‌های فراوان از آن مینمایند. مسائل عدیده و مشکلی در باب مواد معدنی مطرح میشود که دوتای از آنها فوراً بذهن می‌آید:

اول اینکه مالک معدن کیست؟

دوم اینکه استخراج و بهره‌برداری از معادن بچه صورتی باید واقع شود. مسئله‌سومی که حل دومسئله پیش گفته‌را پیچیده‌تر میکند اینکه بعضی مواد معدنی وجود دارد که لازم است تحت قواعد خاصی قرار داده شود؛ تعیین این قبیل مواد معدنی چگونه و بر چه اساسی باید قرار گیرد.

مالکیت معدن - داوطلبان یا نامزدهای سه‌گانه برای مالکیت‌کنها عبارتند از مالک زمینی که معدن در آن واقع شده، کاشف معدن و دولت. حقوق مالک زمین چنین توجیه میگردد که مالک سطح مالک زیر آن نیز شناخته میشود مضافاً بر اینکه برای رسیدن به معدن باید از روی سطح ملک و زمینی که معدن در آن واقع است عبور نمایند لیکن این دلیل سست بنظر می‌آید و دلیل اولی که جدی‌تر تلقی میشود قطعی نیست زیرا عمران و آبادی و بهره‌برداری از سطح ملازمتهای با مواد تحت الارضی نداشته و رابطه حقوقی بین این دو وجود ندارد.

در باب کشف معدن میتوان گفت با عملیات اکتشافی خود مال بلاصاحب (۱) یا مباحه‌ای را بتصرف در می‌آورد و حق مالکیت در آن کسب میکند و شناختن چنین حقی برای کاشف موجب تشویق کاوشها و تفحصات و کشف نقاط و مراکز معدنی خواهد گردید.

جواب توجیه بالا آنستکه بطریقه‌های گوناگون دیگر میتوان موجبات تشویق

1- Res nullius.

کاشفان را فراهم آورد و راجع با استدلال حقوقی نیز باید گفت هر چند موادی را که کاشف از زیر زمین استخراج کرده و بیرون میآورد مالك آن شناخته میشود لیکن این کیفیت دلیل بر آن نمیشود که مالکیت معدن بدو تعلق گیرد. گذشته از این غالباً شناختن کاشف امری آسان نمیباشد: آیا کاشف کسی است که نخستین بار دست بکار تفحص و کاوش میزند یا کسی که اولین دفعه بمواد معدنی دست مییابد؟ آیا بکسی که ضمن مطالعات خود در آزمایشگاه پی بوجود مواد معدنی میرسد نمیتوان عنوان کاشف داد؟

اما دولت عنوانهای بهتری برای احراز مالکیت معدن میتواند داشته باشد زیرا نماینده هیئت اجتماعی و حافظ حقوق آن بوده و برای بهره‌برداری از ثروتی که اشخاص و افراد عادی را حقی بر آن نیست اصلاح و انطباق میدهد؛ در هر صورت مالکیت دولت نسبت بشروتهای تحت الارضی طبیعی تر بنظر میرسد بخصوص وقتی مواد معدنی بکلی متمایز از سطح باشد.

استخراج معدن - در بادی امر بنظر میآید که حل این مسئله مربوط و منوط بمسئله بالایی یعنی مالکیت است و بخصوص وقتی دولت را بعنوان مالك در نظر گیریم طبیعی آنست که دولت خود عهده‌دار استخراج نیز بشود. اما واقع امر اینست که بین دو مسئله بالا ارتباطی وجود ندارد و موضوع اینکه کار استخراج معدن با دولت باشد یا با افراد در تمام حالات ممکن است مورد بحث واقع شود.

حل مسئله استخراج چندان آسان نیست زیرا در عمل با ملاحظاتی عدیده و گوناگون مواجه میباشد آنچه مسلم است استخراج کانهها توسط دولت متضمن خطراتی است چه دولت برای اینکار مجهز نبوده و استعداد صنعتی و بازرگانی آن محدود و کم میباشد و باید خطرات بزرگی را استقبال نماید که پرهیز از آن اولی بنظر میرسد.

در مورد کانهها بخصوص احتمال زیان بسا بیشتر از شانس برد و سود میباشد اما نتیجه این احوال آن نیست که بگوئیم دولت باید از کار معادن صرف نظر کرده و پای خود را کنار کشد بلکه برخلاف حق آنست که دولت استخراج کننده را تعیین کرده و عملیات او را از نزدیک تحت مراقبت قرار دهد.

همچنین شایسته است که دولت از خوش شانسی‌ها نیز استفاده کند و سهم خود را از منافع دریافت دارد چه آنکه کلیه مواد معدنی قبل از استخراج ثروتی اجتماعی و همگانی شمار می‌رود.

مسائل حقوقی مربوط به معادن باستانشنای نفت در کشور ما تا زگی داشته و برای آشنایی بدان بهتر بنظر میآید که علاوه بر شرح قانون معادن در ایران مسائل مزبور را در یکی از کشورهای غربی نیز مورد بحث قرار دهیم. ما کشور فرانسه را بعنوان نمونه انتخاب کرده و مقررات راجع به معادن را بطور اجمال در آن کشور در موقع خود مورد گفتگو قرار میدهیم از این قرار که ابتدا بمسائل راجع به وجود مواد معدنی و قواعد راجع به کشف و استخراج و بعد بموضوع عملی کردن معادن پس از جنگ جهانی دوم اشاره مینماییم.

۱- حقوق معادن در ایران

در زمانهای پیشین و دوره استبداد بعضی معادن با فرمانهای سلطنتی بطریق امتیاز باشخاص یا شرکتهای واگذار میشد چنانکه بموجب فرمان مظفرالدین شاه (در ۸ صفر ۱۳۱۹ هجری قمری) امتیاز معادن نفت کشور باستانشنای ایالات شمال و شمال شرقی به ویلیام ناکس داریسی (۱) انگلیسی واگذار شد همچنین امتیاز معادن ذغال سنگ اطراف شهر تبریز که بیک نفر ایرانی داده شد.

در دوره مشروطیت هر نوع امتیاز و از جمله امتیاز معدن طبق قوانین مجلس شورای باشخاص یا شرکتهای خارجی و داخلی داده شده است. بعضی از معادن از طرف دولت با جاره داده شده مانند معدن قیر بهبهان معادن نمک بن کوه معادن زاج زنجان و غیره (۲).

بنگاه اکتشافات و بهره برداری معادن

در سال ۱۳۱۵ شمسی دولت خود مستقیماً شروع به استخراج و بهره برداری از معادن نمود و برای انجام منظور اداره اکتشافات معادن در آنسال تأسیس گردید. هیئتهای مرکب از مهندسان، نقشه برداران و شیمیست ها بنقاط معدنی اعزام گردیده و عملیات خود را شروع کردند و بتدریج از معادن آهن سمنان، مس سبزوار و عباس آباد و انتیموان فردوس و بعضی معادن دیگر بهره برداری نمودند. بعدها بر اثر پیش آمد وقایع شهر یورو و رود قشون بیگانه بایران بهره برداری محدود به چند معدن کوچک شد (۳) و عملیات اکتشافی نیز در تمام کشور را کد ماند.

1- William Knox d'Arcy

۲- در حدود ۱۸۰ معدن دیگر که صورت آن در اداره درآمدهای معادن وزارت

دارائی موجود است.

۳- «اصول علم مالیه» دکتر مرتضی حسینی صفحه ۴۴۹

در سال ۱۳۲۴ سازمان برنامه اقدام بتأسیس بنگاه اکتشافات و بهره برداری کرد تا زهای گذشته اداره اکتشافات را تعقیب نموده ضمناً مطالعات لازم برای اکتشافات و استخراج معادن را در تمام شهرستانها ادامه دهد.

اداره اکتشافات و بهره برداری معادن از بدو تأسیس تا کنون بدست کارشناسان و مهندسان که عموماً ایرانی هستند مشغول اکتشافات در نقاط مختلف کشور بوده بعلاوه دستیارهای علمی و معنوی اشخاص و شرکتهای خصوصی را برای بهره برداری و صدور ااد معدنی ترغیب و تشویق مینماید.

معادن انارک (مس - نیکل - انتیموان - منگنز) معادن سرب حوزه گلپایگان لندن کرمیت اسفندقه - معادن مس زنجان - معدن منگنز ریاط کریم - معدن آهن مس آبر (نزدیک خمین) و پاره ای معادن دیگر بوسیله بنگاه اکتشافات و بهره برداری معادن استخراج میشود (۱).

نخستین قانونی که راجع بکشف و استخراج معادن وضع گردید قانون مصوب ۱۶ من ماه ۱۳۱۷ میباشد که بموجب لایحه قانونی مورخ سوم دیماه ۱۳۳۱ که فعلاً مورد عمل است اصلاح و تکمیل گردید (۲).

قبل از وضع قوانین پیش گفته مقررات راجع بکشف و استخراج معادن ضمن تصویب نامه ۱۳۲۵ هجری قمری هیئت وزیران پیش بینی شده بود (۳).

اینک لایحه قانونی سوم دیماه ۱۳۳۱ را تحت عنوانهای پنجگانه ذیل مورد بحث و بررسی قرار میدهیم: (۴)

۱- درآمد بنگاه اکتشافات و بهره برداری معادن در سه ساله ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ بترتیب بارتست از ۲۱۶ و ۳۶۶ و ۶۳ و ۸۶۲ و ۶۷۷ و ۹۹ و ۸۶۹ و ۷۳۷ و ۱۲۳ ریال از این ارقام مسلم میشود عایدات بنگاه سال بسال و با افزایش بوده و پس از وضع خارج مبلغی نیز سود ویژه داشته است.

۲- این لایحه قانونی در سال ۳۴ برای تصویب بمجلس سنا تقدیم شده و در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۳۶ بتصویب مجلسین رسیده و بصورت قانون درآمده است.

۳- عایدات معادن طبق دستورالعمل شماره ۲۹۲۱۲ و ر.خ ۱۵ آبانماه ۱۳۱۳ شمسی وزارت دارائی وصول میگردد.

(۴) لایحه قانونی اکنون بصورت قانون ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۶ درآمده است و با این هر جا از لایحه قانونی نام برده میشود باید قانون مذکور (۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۶) بنظر آورد.

۱- مالکیت معدن

بموجب ماده ۱۶۱ قانون مدنی و ماده دوم قانون معادن مصوب ۱۶ بهمن ماه ۱۳۱۷ مالکیت معدن متعلق بکسی است که معدن در ملک او واقع است (۱)

در لایحه قانونی سوم دیماه ۱۳۳۱ مالکیت معدن بر حسب نوع معدن فرق میکند از اینقرار که معادن طبقه اول مانند سنگ گچ - سنگ آهک - سنگهای ساختمانی - سنگ مرمر و خاک رس و امثال آن که معمولاً بمصرف ساختمان میرسد در هر ملکی که واقع باشد متعلق بصاحب آن ملک است. اما معادن واقع در اراضی که تا تاریخ ۱۳۳۱/۱۰/۳ به ثبت نرسیده و یا مالکیت آن در مراجع قانونی مسلم نشده باشد متعلق بدولت است.

مواد معدنی طبقه دوم از قبیل فلزات - املاح - سوختهای جامد - سنگهای قیمتی - خاک سرخ - گوگرد - پنبه نسوز - خاک نسوز و امثال آن (۲)

اکتشاف و بهره برداری از این معادن مستقیماً از طرف دولت عمل میشود و باموجب پروانه استخراج باشد خاص ثالث واگذار میگردد.

مالک زمینی که معدن در آن واقع است حقوقی بنام حق الارض دریافت میدارد. مواد معدنی طبقه سوم مانند کلیه مواد نفتی و گازهای طبیعی و مواد رادیواکتیو (۳) مطلقاً متعلق بدولت است.

۱- ماده ۱۶۱ قانون مدنی :

«معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملک صاحب زمین است و استخراج آن تابع قوانین مخصوصه خواهد بود»

۲- طبقه دوم عبارتست از (ماده ۱ لایحه قانونی معادن)

الف - مواد معدنی فلزی مانند آهن - کرم - منگنز - کبالت - مس - انتیموان - قلع - روی - جیوه - سرب - اورانیوم و امثال آن و همچنین فلزاتی مانند طلا - نقره - پلاتین و امثال آن.

ب - نیترا آنها - فسفاتها - نمک طعام - نمکهای قلیائی - براتها - مانیزی - نمکهای نظیر آن و آبهای طبی و معدنی و امثال آن.

ج - سوختهای جامد مانند زغال سنگ - لیک نیت - تورب - سنگهای پیتومی و امثال آن.

د - خاک سرخ - گوگرد - پنبه نسوز - خاک نسوز و امثال آن.

ه - سنگهای قیمتی مانند الماس - زمرد - یاقوت - فیروزه و امثال آن

۳- طبقه سوم عبارتند از: (از قسمت اخیر ماده ۱ لایحه قانونی معادن)

کلیه مواد نفتی و گازهای طبیعی و مواد رادیواکتیو مانند اورانیوم - توربوم و رادیوم کلیه موادی که جهت استفاده نیروی اتمی بکار میرود.

۲- کشف معدن

کاشف معدن کسی است که پروانه اکتشاف از دولت (۱) تحصیل نموده و طبق آیین نامه کشف عمل کرده و کشف معدن بنام او ثبت و گواهی نامه بنام او صادر شده باشد (۲).
 اکتشاف معدن چون امری است که با منافع همگانی و ملی ارتباط دارد استخراج بخایر زمینی از نظر اقتصادی، مالی و نظامی حائز اهمیت بسیار میباشد. عملیات اکتشافی برای تبع ایران در تمام نقاط ایران و در کلیه املاک و مستغلات قانوناً آزاد گذارده شده است. اتباع بیگانه نیز میتوانند تحت شرایط مخصوص و با اجازه دولت بعملیات اکتشافی بادرند (۳).

مالک زمین نمیتواند از عملیات اکتشافی در زمینهای خود جلوگیری نماید ولی اگر عمل اکتشاف معدن در باغهای مشجر و اراضی مزروعی و حریم قنوات (۴) و آبپیه باشد باید قبلاً رضایت مالک تحصیل شود و در صورت بروز اختلاف بین مالک و کاشف رأی محاکم صالح قاطع خواهد بود.

۱- در لایحه قانونی وزارت اقتصاد ملی ذکر شده لیکن در حال حاضر وزارت اقتصاد ملی بدو وزارت تقسیم یا تبدیل شده است یکی وزارت بازرگانی و دیگری وزارت صنایع و معادن و بدیهی است که در اینصورت باید درخواست پروانه از وزارت صنایع و معادن بعمل آید.

۲- ماده ۴ لایحه قانونی.

۳- اکتشاف و استخراج معادن طبقه سوم فقط بوسیله دولت عملی میگردد (بندج ماده سوم لایحه معادن)

۴- حریم عبارت از مقداری اراضی اطراف ملك و قنات و نهر و امثال آنست که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.

حریم چاه برای آب خوردن ۲۰ گز و برای زراعت ۳۰ گز است حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخواه ۵۰۰ گز و در زمین سخت ۲۵۰ گز است در صورتیکه ایش مقدار برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد با اندازه لازم جهت دفع ضرر بآن افزوده میشود.

کسی نمیتواند در حریم متعلق بدیگری دخل و تصرفی نماید که منافی بسا منظور حریم باشد مگر با اذن صاحب حریم بنابراین در حریم چشمه و قنات دیگری نمیتوان چاه با قنات حفر نمود لیکن تصرفات دیگر که موجب ضرر نشود جایز است.

(طبق مفاد مواد مندرج در قانون مدنی از ماده ۱۳۶ تا آخر ماده ۱۳۹)

کاشف در نتیجه کاوشها و دقتهای خود از سنگها و مواد معدنی نمونه برداری میکند و نتیجه آزمایشهای خود را با طرز استفاده از آنها و اراضی که جهت عملیات بهره برداری لازم میدانند با مشخصات کامل تعیین نموده بضمیمه نقشه آن با اداره کل معادن تسلیم میکند گزارش کاشف در اداره کل معادن مورد رسیدگی قرار میگیرد. محل معدن و نقشه های مربوط را بررسی و تطبیق میکنند و در صورت صحت کشف معدن را بنام گزارش دهنده ثبت و گواهینامه معدن را صادر مینمایند (۱).

حقوق و مزایای کاشف

در صورتیکه استخراج کننده معدن غیر از شخص کاشف باشد باید بکاشف حق اکتشافی بترتیب ذیل پردازد:

الف - نیم درصد محصول استخراج شده طبق آئین نامه بهره برداری در سر معدن یا بهای آن نرخ روز با اختیار کاشف از تاریخ شروع به بهره برداری تا مدت اعتبار گواهینامه کشف (۲).

ب - هزینه عملیات اکتشاف بترتیبی که در آئین نامه مربوط مقرر است.

۳- استخراج معدن

برای معادن طبقه اول مالک زمین با اجازه دولت و با پرداخت حقوق دولتی و رعایت آئین نامه های معادن حق دارد از معادن واقع در ملک خود بهره برداری کند و یا آنکه بهره برداری آنرا بدیگری واگذار کند (۳).

در صورتیکه مالک زمین نخواهد یا نتواند معدن واقع در ملک خود را بهره برداری نماید وزارت صنایع و معادن میتواند ششماه پس از ابلاغ اخطار و طبق آئین نامه مربوط

۱- حداکثر وسعت زمین مورد درخواست اکتشاف چهل کیلومتر مربع خواهد بود و شرکتهایی که واجد شرایط فنی و مالی باشند میتوانند حداکثر تا ده پروانه اکتشاف دریافت. (تبصره ۲ از ماده ۸ لایحه قانونی) نمایند

۲- مدت اعتبار پروانه کشف دو سال از تاریخ ثبت میباشد و با شرایطی تا ۲ سال هم میتواند آنرا تمدید نمود (در تبصره ماده ۴ لایحه قانونی معادن مدت اعتبار را ۲۵ سال ذکر میکنند و بنا بر این با تبصره ۲ از ماده ۵ همان قانون که مدت اعتبار پروانه کشف را دو سال ذکر کرده مغایرت دارد علت اشتباه معلوم نیست؛ آنچه بنظر صحیح میآید مدت دو سال است و اصولاً تبصره ماده ۴ زائد میباشد.)

آن بهره برداری نموده و یا بهره برداری آنرا بدیگری واگذار نماید و بهره مالکانه را بمالك بپردازد .

بهره برداری از معادن طبقه دوم مانند اکتشاف آنها مستلزم دریافت پروانه از وزارت صنایع و معادن میباشد .

دارنده گواهی کشف در ظرف مدت یکسال از تاریخ صدور گواهینامه میتواند از صنایع و معادن درخواست صدور پروانه بهره برداری نماید هر گاه شورای عالی معادن صلاحیت مالی و فنی او را تصدیق نماید پروانه استخراج بنام او صادر خواهد شد .

معادن طبقه سوم

اکتشاف و بهره برداری معادن این طبقه بوسیله دولت انجام میگردد .

وزارت صنایع و معادن بسه طریق از معادن کشور بهره برداری میکند:

۱- رأساً طبق اصول بازرگانی از معدن بهره برداری میکند .

۲- حق بهره برداری خود را بیکي از مؤسسات یا سازمانهای دولتی واگذار میکند

تا طبق اصول بازرگانی بهره برداری شود .

۳- شرایط بهره برداری معادن را از حیث صلاحیت بهره برداری و طرز و مدت

بهره برداری تعیین نموده و میزان درآمد دولت را (که در ماده ۱۲ مندرج و تحت عنوان

حقوق دولت خواهیم دید) حداقل قرارداد و بین کسانی که صلاحیت مالی و فنی آنها قبلاً

در شورای عالی معادن محرز شده باشد بمزایده میگذارد .

مدت پروانه استخراج

برای مالکان معادن طبقه اول بهره برداری محدود بمدتی نمیباشد از این گذشته

مدت پروانه یا اجازه بهره برداری اصولاً ۳۰ سال تعیین شده لیکن با موافقت شورای عالی

معادن این مدت قابل تمدید است .

زمینهایی که از نظر بهره برداری مورد نیاز است باید از طرف مالك در مقابل دریافت

جاره بها یا قیمت آن بمیزان عادله باستخراج کننده واگذار گردد (۱) .

نکته مهم و قابل توجه اینکه کشف معدن و یا بهره بردار اعم از افراد یا شرکتها و

سازمانهای دولتی مجاز نیستند بقنوات دایر آسیب رسانند .

۱- طبق ماده ۱۷ لایحه قانونی معادن

۴. حقوق دولت - بهره مالکانه و حق الارض

حقوق دولت

حقوق دولت از طرف بهره‌بردار معدن باید بطریق ذیل پرداخت شود (۱) :

الف - معادن طبقه ۱ پنج درصد از محصول استخراج شده طبق آئین‌نامه بهره‌برداری از سرمایه معدن یا بهای آن بنرخ روز (۲).

ب - معادن طبقه ۲ چهار درصد از محصول استخراج شده طبق آئین‌نامه بهره‌برداری در سرمایه معدن یا بهای آن بنرخ روز (۳).

نسبت بمعادن طبقه سوم چنانکه سابقاً ذکر شد مالکیت این قبیل معادن (نفت - گاز - قیر و مواد رادیواکتیو) متعلق بدولت است وصاحبان اراضی که معادن نامبرد در آن واقع است هیچگونه حقی نسبت بدان ندارند .

دارندگان پروانه اکتشاف در مقابل هزینه‌هایی که جهت رسیدگی بامور مربوط بپروانه اکتشاف صرف میگردد برای هر سال و هر کیلومتر مربع زمین مورد درخواست اکتشاف باید مبلغ سی ریال باداره کل معادن (در وزارت صنایع ومعادن) بپردازند .

بهره مالکانه و حق الارض

معادن طبقه اول که متعلق بمالك زمین است هر گاه با رعایت مقررات بهره‌برداری آن بدیگری واگذار شود مالك حقی دریافت میدارد بنام بهره مالکانه وصاحب زمینی که معادن طبقه دوم در آن واقع است هر چند بموجب قانون مالکیت معادن باوتعلق ندارد باوجود این استخراج کننده باید مبلغی با بپردازد که آنرا حق الارض نامند .

بهره مالکانه معادن طبقه ۱ و حق الارض معادن طبقه ۲ سه درصد محصول استخراج شده طبق آئین‌نامه بهره‌برداری در سرمایه معدن یا معادل بهای آن بنرخ روز میباشد (۴)

خسارات

علاوه بر بهره مالکانه و حق الارض بهره‌بردار موظف است خسارات وارده بمالك از هر حیث طبق رأی محاکم صالحه بپردازد .

- ۱- طبق ماده ۱۲ لایحه قانونی معادن
- ۲- انتخاب هر يك از دوشق با وزارت صنایع ومعادن است.
- ۳- انتخاب هر يك از دوشق با وزارت صنایع ومعادن است .
- ۴- انتخاب هر يك از دوشق با مالك است .

خسارات ناشیه از عملیات اکتشافی نیز بطریق بالا باید پرداخت شود .
 در اراضی دولتی و یا بلاصاحب خسارات مزبور بدولت تعلق میگیرد .

۹ - محل اختلافات

سابقاً مذکور داشتیم زمینهایی که از نظر بهره‌برداری برای ساختمان فنی و غیر فنی مورد احتیاج باشد باید از طرف مالک در مقابل دریافت اجاره بها یا قیمت آن (بمیزان عادلانه) بهره‌بردار واگذار شود .

حال هر گاه در مورد مساحت اراضی مزبور و یا در باب فروش یا اجاره آن اختلاف روی دهد بهره‌بردار باید بشورای عالی معادن مراجعه کند . شورای عالی معادن موضوع را مورد بررسی قرار داده و در صورتیکه ضرورت اراضی مورد نظر را تشخیص دهد مساحت و مشخصات آنرا معلوم میدارد و نیز تعیین مینماید که زمینهای مزبور باید با چاره داده شود و یا بملکیت بهره‌بردار درآید (۱) .

رأی شورای عالی معادن در این فقرات برای طرفین قطعی و لازم الاجراست .
 اگر راجع بقیمت یا میزان اجاره بهای اراضی اختلاف پیدا شود بداد گاه شهرستان محل مراجعه میکنند و داد گاه بتقاضای بهره‌بردار در ظرف سی روز از تاریخ تقاضا دستور تصرف اراضی مورد تقاضا را بنفع بهره‌بردار صادر میکند بشرط آنکه وی بهای زمین یا اجاره بها را بطریقی که داد گاه تعیین نموده پردازد و یا آنکه پرداخت آنرا تعهد نماید .
 مالک زمین حق دارد حل اختلاف را بدآوری واگذار کند و در این صورت بداد گاه شهرستان محل مراجعه کرده و هیئت دآوری تعیین میشود . هیئت دآوری در ظرف دو ماه از تاریخ رجوع و خارج از نوبت قیمت عادلانه اجاره بها یا قیمت زمین را در نظر گرفته رأی صادر میکند .

اجاره بها یا قیمت عادلانه زمین از روی اجاره بهای املاک مشابه یا قیمت زمینهای مجاور معلوم میگردد و نکته اصلی که در این مورد مخصوصاً مهم است اینکه منظوری که بهره‌بردار از خرید یا اجاره دارد بهیچوجه در نظر گرفته نمیشود .

شورای عالی معادن

شورای عالی معادن از ۶ نفر تشکیل میگردد از اینقرار:

۱ - طبق ماده ۱۷ لایحه قانونی معادن

معاون قسمت معادن وزارت صنایع و معادن

مدیرعامل شرکت سهامی کل معادن و ذوب فلزات سازمان برنامه .

مدیرکل فنی وزارت صنایع و معادن (۱) .

یکنفر از رؤسایا مستشاران دیوان عالی کشور بمعرفی وزارت دادگستری .

یکنفر از استادان دانشگاه که مهندس معدن باشد بمعرفی دانشگاه تهران .

یکنفر مهندس بمعرفی شورای بهره برداران معادن و تصویب وزارت صنایع و

معادن (۲) .

عمل شورای عالی معادن عبارتست از:

۱- انجام وظایف مقرر در لایحه قانونی معادن .

۲- تنظیم و تصویب طرحهای لازم جهت توسعه امور اکتشاف و بهره برداری معادن

۳- اجرای روش واحد در استفاده از ذخایر معدنی کشور .

۲- رژیم معادن در فرانسه

قانون اصلی معادن در فرانسه قانون ۲۱ آوریل ۱۸۱۰ میباشد و هر چند قوانین

بعدی تغییرات عمده در آن داده لیکن هنوز رژیم معادن در آن کشور مبتنی بر اصل

قانون مزبور میباشد .

مهمترین قوانین بعدی یکی قانون ۲۷ آوریل ۱۸۳۸ و دیگری قانون ۹ سپتامبر

۱۹۱۹ است .

قانون ۱۹۱۹ برای امتیازاتی که پس از این قانون داده شود ترتیب تازه ای اختیار

کرده است .

فرمان ۱۳ دسامبر ۱۹۴۴ (۳) و قانون ۱۷ مه ۱۹۴۶ معادن زغال سنگ شمال و پادوکاله

و کلیه معادن حاوی سوختهای معدنی را ملی کرده است .

۱- در ماده ۱۸ لایحه قانونی معادن «وزارت اقتصاد ملی» ذکر شده لیکن چنانکه

قبلاً گفته شد فعلاً وزارت نامبرده وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و معادن تبدیل گردیده

است .

۲- سه نفر اخیر برای مدت چهار سال انتخاب خواهند شد .

۳- فرمان ۱۲ اکتبر ۱۹۴۵ آنرا تغییر داده است .

قوانین نامبرده مر بوطبخاک فرانسه بوده و برای مستعمرات آن مقررات خاصی راجع
معادن معمول میباشد.

اصول عمده

مطالب اصولی که از مقررات و قوانین معادن در سیستم فرانسه استنباط میشود بقرار
زیل است :

۱- کلیه مواد و محصولات معدنی را در سه طبقه قرار داده اند :

اول معادن تحت الارضی.

دوم معادن کم عمق که معمولاً استخراج آنها رو باز انجام میگردد.

سوم معادن سطح الارضی.

کلیه مواد معدنی و مستحاثات (فسیلها) را قانون در یکی از این سه طبقه قرار میدهد.

۲- موضوع مالکیت معادن بطور صریح در قانون تعیین نگردیده معادن سطح الارضی

علاقه بملک زمین دارد و برای مواد معدنی طبقه دوم تمایل قانونگذار بر این است که مالکیت
آن مانند معادن طبقه اول باشد.

۳- استخراج معادن در مقررات فرانسه غامض و پیچیده میباشد. ترتیبی که با اصاله

رای استخراج معمول است طریقه امتیاز است.

در قانون اولیه چنین است که مالکیت معدن از طرف دولت بیک نفر واگذار میشود

او حق دارد آن معدن را تا پایان استخراج نماید.

در قانون ۱۹۱۹ حق استخراج معدن فقط برای مدت محدودی داده میشود و عملیات

ز نزدیک تحت مراقبت و نظارت اداری قرار دارد.

در قانون ۲۸ ژوئن ۱۹۲۷ هر گاه کسی دارای پروانه استخراج باشد در مدتی که تا

۳۱ سال ممکن است ادامه داده شود بکار استخراج بپردازد.

دارنده چنین پروانه صاحب حقی غیر منقول میشود لیکن نمیتواند استفاده رهنی

ز آن بنماید.

استخراج مواد معدنی سطح الارضی علی الاصول در اختیار مالک زمین گذارده

شده است.

با اینحال بعدها قانونی (۱) سنگهای ساختمانی و معادن تورب را تحت رژیم

قرارداده که تا اندازه‌ای بمعادن تحت‌الارضی نزدیک میباشد .

در آنچه ذیلاً شرح داده میشود منظور اصلی معادن تحت‌الارضی است و در پایان نکاتی راجع بسنگها و مواد ساختمانی و نیز معادن تورب ذکر خواهد شد .

اکتشافی معادن

بتایر قوانین مربوط مقررات اکتشاف بر حسب آنکه موضوع مواد سوختی مایع (هیدروکاربورهای مایع) باشد یا مواد معدنی غیر از آن فرق میکنند .
توضیح آنکه قواعد عمومی برای کلیه اکتشافات موجود است و در عین حال قواعد خاصی راجع بجستجو و کشف سوختنهای مایع یا نفت وضع کرده‌اند .
قواعد مشترک برای کلیه تفحصات و اکتشافات

خلاصه قواعد مربوط بکلیه اکتشافات معادن بقراری است که ذیلاً شرح داده میشود :

۱- تفحصات و کاوشهای لازم برای کشف مواد معدنی ممکن است توسط صاحب زمین صورت گیرد همچنین ممکن است با اجازه مالک زمین از طرف اشخاص دیگر و یا بموجب تصویبنامه و بدون رضایت مالک زمین عملیات اکتشافی واقع شود که در صورت اخیر بصاحب ملک مبلغی بعنوان حق‌الارض پرداخت میشود .

۲- کسانی که بمنظور کشف معدن اقدام بحفر زمین (Sondage) یا کارهای زیرزمینی و یا کاوشهایی که باید در بیش از ده متر عمق صورت گیرد بنمایند لازم است اظهارنامه‌ای بصرمهندس معادن تسلیم نمایند (۱)

کارهای مربوط بمعادن نمک طعام (کلرور سدیم) و کلرور پتاسیم نباید قبل از انقضای مدت یکماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه بفرماندار آغاز گردد و این نوع عملیات نباید صورت استخراج پیدا کند مگر آنکه کسی که اقدام بکاوش و تفحص مینماید پروانه استخراج بدست آورده باشد .

۳- شرکتهای و دستجات و اشخاصی که کارشان جستجو و کشف معادن است میتوانند ازدولت کمک هزینه دریافت داشته و بعد آنرا مسترد دارند (۲) .

۱- بموجب قانون ۲۲ مه ۱۹۴۴ فرانسه

۲- قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۴۱ که توسط قانون ۶ ژوئن ۱۹۴۲ تغییر داده شده است .

۴- کشف میتواند با حکم وزارتی یا تصویبنامه از موادی که ضمن تفحص بدست آمده استفاده نماید و در صورت مقتضی بمالك زمین حق الارض پردازد.

قواعد مخصوص راجع بکشف سوخته‌های مایع یا نفت

قانونگذار فرانسه بمنظور تشویق اکتشاف معادن نفت وضع مساعدی برای کاشفان قابل شده از اینقرار:

۱- کشف معدن حق دارد از موادی که بدست میآید استفاده کند بدون آنکه حقی بصاحب زمین پردازد. وی فقط عوارضی بمیزان ده درصد بهای مواد خارج شده میپردازد و این مبلغ بین دولت استان و شهرستان مربوط تقسیم میشود.

۲- کاوش کننده میتواند با تصویبنامه پروانه انحصاری تجسسات بدست آورد و او حق دارد با این پروانه در شعاع معین بعملیات اکتشافی پردازد بدون آنکه اشخاص دیگر و از جمله مالك زمین دارای چنین حقی باشد.

پروانه مزبور مدت پنجسال اعتبار دارد و میتواند مدت آنرا تمدید کرد. این پروانه بدون اجازه مقامات مربوط قابل انتقال و واگذاری بدیگری نمیشود. پروانه صاحب آنرا مازم میسازد که حداقلی از عملیات را انجام دهد. دارنده پروانه از مواد حاصل از تفحصات استفاده مینماید و در مقابل باید حقی بدولت پرداخته و نیز عوارض پیش گفته را پردازد و شرایطی را که بر عهده گرفته عمل نماید.

هرگاه دارنده پروانه وجود معدن نفت قابل استخراج در محوطه و شعاع عمل خود را باثبات رساند و درخواست امتیاز کند حق انحصاری دریافت امتیاز را خواهد داشت (۱).

۱- حکم ۱۱۲ کتبر ۱۹۴۵ دفتر اکتشاف نفت را ایجاد کرده که عبارت از يك بنگاه ملی است و وظیفه آن تهیه برنامه برای جستجو و کشف نفت طبیعی و اجرای آن بمنفعه ملت فرانسه میباشد. دفتر نامبرده تفحصات را تشویق میکند و نیز خود بوسایل دیگر با شناسای آزمایش از راه حفر زمین در امور اکتشاف شرکت میجوید. همچنین با وسائل و مساعدتهای مالی (مانند پیش پرداخت، شرکت در سرمایه، کمک هزینه) دستگاههای ذینفع را برای سعی و عمل بر میانگیزاند.

وضع استخراج کنندگان معدن که امتیاز آنها

قبل از قانون ۱۹۱۹ میباشد

امتیاز نامه هر کس بخواهد معدنی را استخراج کند باید از شورای دولتی (۱) تصویبنامه بدست آورد که مالکیت معدن را با او واگذار کرده و عنوان صاحب امتیاز با او میدهد.

در تصویبنامه موادی که باید استخراج شود و نیز حدود امتیاز را معلوم میدارند همچنین حقوقی که باید بمالکان زمین بعنوان حق الارض پرداخته شود و حقوق کاشفان تعیین میگردد.

دو نکته مهم و قابل ذکر راجع بصدور تصویبنامه امتیاز وجود دارد از اینقرار:

۱- دولت بین درخواست کنندگان امتیاز هر کس را بخواهد بنا بر حق حاکمیت خود انتخاب مینماید و در انتخاب خود آزادی مطلق دارد.

۲- اعطای امتیاز مجانی است اما در اوایل قرن حاضر طور دیگری عمل میکردند و فقط کسانی میتوانستند امتیاز معدن بدست آورند که متعهد شوند در بعضی عملیات و کاره

۱- Conseil d'Etat شورای دولتی سازمانی است در فرانسه که از جمله وظایف آن حل اختلاف و رسیدگی بدعاوی بین افراد و اشخاص حقوقی با دولت میباشد همچنین اختلافات بین دستگاههای دولتی راجع بامور مربوط بصلاحت در شورای دولتی مطرح شده و حل و فصل میگردد.

بطور کلی شورای دولتی در فرانسه دارای دو نوع وظیفه و عمل است:

اول دخالت در امور تقنینیه و اداری بوجه مشورتی.

دویم عمل قضائی که صورت دادگاه را پیدا میکند.

احکام شورای دولتی هنگامی که وظیفه قضائی خود را عمل میکند گاه در مرحله بدوی است و در آن صورت احکام قطعی صادر مینماید و گاه در مرحله پژوهش (استیناف) فرجام (تمیز) میباشد و آن در مواردی است که عمل ادارات دولتی موجب ایجاد دعاوی گردد. شورای دولتی اختلافات و دعاوی را که بدین ترتیب حادث میشود حل و فصل و مرتفع مینماید.

اما دخالت شورای دولتی در امور تقنینیه و اداری بیشتر بصورت تصویب مقررات یا احکامی است که از طرف رئیس دولت بدان ارجاع میشود و پس از تصویب شورای دولتی با امضاء رئیس دولت فرانسه و وزیر مربوط با مسئول تصویبنامه مزبور که آنرا تصویبنامه مصوب شورای دولتی باید نامید Décret en Conseil d'Etat لازم الاجراء میگردد.

دولت مساعدت نمایند بعد ها این موضوع مورد انتقاد زیاد واقع شده و ناچار آنرا موقوف کردند .

وضع صاحب امتیاز

طبق قانون اولیه (۱) امتیاز نامه مالکیت معدن را بصاحب امتیاز اعطاء میکند و بنابراین معدن ملك و مال او محسوب شده هر گونه دخل و تصرفی در آن میتواند بکند و مانند اموال دیگر قابل نقل و انتقال میباشد .

اصل آنست که امتیاز دارنده مالك است و نوع مالکیت او هم از نوع مالکیت خصوصی است که قانون مدنی آنرا تضمین نموده است با این حال واضعین قانون ۱۸۱۰ و بخصوص قوانین بعدی وضع خاصی برای این مالك ایجاد نموده اند . قانونگذار نعت تأثیر و الهام این فکر قرار گرفته که معدن ثروت و نعمتی است فراهم آورده طبیعت و برای خیر و رفاه جامعه باید تخصیص داده شود . بنابراین آنچه بر حق مالکیت صاحب امتیاز احاطه دارد و آنرا محدود میسازد همان ملاحظه نفع عمومی و تخصیص مزبور میباشد .

نتیجه وضع صاحب امتیاز

از ملاحظات فوق نتایج ذیل حاصل میشود:

- ۱- دارنده امتیاز معدن بدون اجازه حق ندارد حوزه امتیاز خود را محدود یا تقسیم نماید همچنین نمیتواند با امتیازات دیگر اختلاط و آمیزش بعمل آورد .
- ۲- هر گاه بدون اجازه معاملات روی معدن کرده یا آنکه آنرا با چاره واگذارند صاحب امتیاز از حق خود ساقط میگردد .
- ۳- صاحب امتیاز باید بطوری با استخراج معدن بپردازد که بتأمین عمومی و نیاز مندیهای مصرف کنندگان و اقتصاد عمومی ناحیه یا کشور لطمه وارد نگردد . در غیر این صورت حق وی اسقاط میشود . (۲)

۱- ماده ۷ قانون ۱۸۱۰

۲ هر گاه صاحب امتیاز تشخیص دهد که لازم است استخراج معدن را کلاً یا بعضاً متوقف سازد باید مراتب را با اطلاع وزیر مربوط برساند . وزیر بوی اخطار مینماید که استخراج را ادامه دهد و نیز میتواند بجای او یک نفر مدیر موقت برای مدت شش ماه بگمارد از طرف دیگر دو تصویبنامه (یکی ۱۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ و دیگری ۶ سپتامبر ۱۹۳۶) قواعدی را برقرار کرده که موضوع دست برداشتن از امتیاز را برای صاحب آن آسانتر ساخته و معادنی را که استخراج نشده امتیاز آنها را کامل بکن دانسته است .

۴- صاحب امتیاز موظف است عملیاتی را بمنظور حفاظت معدن و سطح زمین آن و تأمین جانی کارکنان بعمل آورد (۱)

۵- در مقابل وظایف پیش گفته صاحب امتیاز از مزایایی استفاده میکند که اشخاص معمولی حق استفاده از آنها ندارند مانند حق اشغال زمین برای جا دادن مواد و مصالح و تأسیسات همچنین حق سلب مالکیت نسبت به بعضی زمینهای واقع در روی معدن .
۶- امتیاز دارنده میتواند از دولت کمک هزینه دریافت داشته بعداً آنرا مسترد دارد یا کمک هزینه مزبور اقدامات مقدماتی برای تجهیز و تهیه آلات و ادوات لازم بعمل میآورد تا بتواند مواد معدنی که برای نیازمندیهای اقتصاد عمومی ضرورت دارد تولید و فراهم نماید (۲) .

ضمانت اجرایی تعهدات صاحب امتیاز

برای آنکه دارنده امتیاز مقررات قانونی را رعایت نماید جانب احتیاط را از دست نداده و او را تحت مراقبت مهندسان معدن قرار داده اند هر گاه استخراج را تقلیل دهد بنحوی که تأمین عمومی و یا ضروریات اقتصاد عمومی ناحیه یا کشور در خطر افتد حق وی نسبت بامتیاز ساقط میشود . همچنین وقتی بدون اجازه کار خود را با امتیاز دیگری ممزوج کرده یا امتیاز را نقل و انتقال دهد.

مقایسه امتیاز معدن با امتیاز خدمات عمومی (۳)

اشخاصی که از امتیازی قبل از ۱۹۱۹ بهره‌مند میباشند هر قدر آزادی عملشان محدود باشد وضع آنها را نباید با وضع دارندگان امتیاز خدمات عمومی اشتباه نمود . دو اختلاف بین این دو وضع موجود است از اینقرار :

۱- در مورد امتیاز خدمات عمومی و در اساس آن تراضی طرفین موجود است و وضع حاصل از امتیاز وضعی قراردادی است . لیکن در مورد امتیاز معدن چنین نیست و وضع بهره بردار معدن را متن قوانین معلوم داشته و هیچگونه اضافه یا نقصانی نمیتوان در آن داد .

۱- دارندگان امتیاز هر گاه کارشان موجب خسارت سطح زمین گردد باید برای جبران آن حقی بصاحب زمین بپردازند .

۲- صاحب امتیاز باید بدولت حقی بپردازد .

۳- خدمات عمومی از قبیل برق، آب، گاز، حمل و نقل شهری، تلفن و غیره که در کشورهای غربی امتیاز دادن آنها معمول است و بنام *Services publics* خوانده میشود .

۲- دارنده امتیاز معدن برخلاف صاحب امتیاز خدمات عمومی کارش تأمین خدمت عمومی نمیباشد؛ بهره‌برداری از معدن از نظر حقوق کاری شخصی و آزاد است که تابع قواعد حقوق خصوصی میباشد مگر در مواردی که صریحاً توسط قانون از آن تجاوز کرده و خارج از تبعیت از حقوق مزبور قرار گرفته باشد.

بهره‌بردارانی که امتیاز خود را پس از قانون

۱۹۱۹ بدست آورده‌اند

سالهای دراز است که در کشور فرانسه میخواهند قانون جامعی بجای قوانین و مقررات منشتت راجع بمعادن تنظیم و تدوین نمایند.

قانون ۱۹۱۹ این منظور را بعمل نیاورده و همینقدر در باب برخی موضوعها و نکات قواعدی وضع کرده است بطوریکه قانون ۱۸۱۰ معادن برای سایر قسمتها همچنان باقی است.

قانون ۱۹۲۲ نیز راجع بیک مطلب بخصوص که عبارت از تفحصات و اکتشافات نفت باشد قانون ۱۸۱۰ را تغییر داده لیکن سایر قسمتهای قانون دست نخورده مانده و تغییری نگرفته است.

صفات خاصه امتیازها در قانون ۱۹۱۹

صفات مخصوص امتیازهای معدن چنانکه از قانون ۱۹۱۹ برمیآید بقرار ذیل است:

۱- استخراج کننده با تصویبنامه مصوب شورای دولتی (۱) و با اختیار رئیس دولت

۱- در رژیم های گوناگون حکومت فرانسه بعد از انقلاب (از زمان کنستیتوسیون اول موسوم به *Constitution de Frimaire an VIII* رئیس دولت بهره‌نویان که بوده حق اخذ تصمیماتی را داشته است. این تصمیمات در دوره بازگشت (رستوراسیون) و نیز در دوره سلطنتی ژویه (*Monarchie de Juillet*) موسوم بفرمان *Ordonnance* بوده است در دوره های دیگر آنرا *Décret* مینامند چنانکه تصمیمات رئیس جمهور در اوقات عادی و همچنین تصمیمات رئیس حکومت موقتی بنام *Décret* خوانده میشود و ما آنرا بتصویبنامه تعبیر میکنیم (با وجود اختلافاتی که با تصویبنامه در کشور ما دارد)

تصویبنامه‌های مزبور بصورت اسناد کتبی میباشد و به متن قانونی که بدان متکی است اشاره کرده و ماده بماده تنظیم میشود. دارای تاریخ و بامضای رئیس جمهور همراه با امضای یک یا چند وزیر میباشد غالباً علت و موجبات تصویبنامه چنین شروع میشود: «بنابر آنکه و گزارش وزیر مربوط (پیشنهاد کننده) را در مقدمه ملاحظه مینمایند بقیه پاورقی در صفحه بعد

تعیین میشود در يك مورد خاص انتخاب رئیس دولت شرط نیست و آن در مورد امتیاز

بقیه باور فی از صفحه قبل

تصویبنامه بر دو قسم است :

اول تصویبنامه‌های از نوع آئین‌نامه که آنها را **Décrets réglementaires** نامند و مربوط بامده‌ای از اشخاص و یا موارد و اوضاعی غیر معین است.
دوم تصویبنامه‌های فردی **Décrets individuels** که راجع بشخص یا وضعی معلوم و معین میباشد.

تصویبنامه‌های اولی یعنی از نوع آئین‌نامه خود بر چند قسم است :

آئین‌نامه‌های ساده **Règlements simples**

آئین‌نامه با مشورت شورای دولتی **Règlements en Conseil d'Etat** و تصویبنامه بصورت آئین‌نامه اداری.

در مورد آئین‌نامه‌های ساده مشورت قبلی با شورای دولتی ضرورت ندارد.

آئین‌نامه‌ها با مشورت شورای دولتی قبلاً باید در يك یا چند شعبه شورای دولتی مورد شور قرار گیرند. آئین‌نامه‌های اداری باید در مجمع عمومی شورای دولتی مورد مشورت واقع شود.

تصویبنامه‌های از نوع آئین‌نامه اداری در مواردی لازم است که در متن قانون تصریح شود که جزئیات اجرای قانون و نیز نحوه اجرای آن بموجب آئین‌نامه اداری - **Règlements d'administration publique** معین میگردد.

اما تصویبنامه‌های فردی نیز بر چند قسم است :

تصویبنامه‌های ساده **Décrets simples**

تصویبنامه با مشورت شورای دولتی **Décrets en Conseil d'Etat**

تصویبنامه بصورت آئین‌نامه اداری **Décrets en forme de règlements d'administration publique** که قبلاً رأی و نظر شورای دولتی را در يك شعبه و یا مجمع عمومی آن لازم دارد و بالاخره تصویبنامه هیئت وزیران **Décrets en Conseil des ministres** که قبلاً رأی و نظر هیئت وزیران باید داده شود.

در ایران شورای دولتی وجود ندارد و نخست وزیر در عین حال رئیس دولت و رئیس حکومت میباشد (مقام سلطنت سمت ریاست عالی بر تمام کشور را دارد) و مقررات از نوع تصویبنامه در هیئت وزیران بتصویب میرسد از اینقرار که تصویبنامه خواه فردی و خواه از نوع آئین‌نامه (که آنرا آئین‌نامه مصوب هیئت وزیران نامند) در ادارات مربوط وزارتخانه‌ها تهیه میشود و از طرف وزیر مربوط بنخست وزیر پیشنهاد میگردد که آنرا در هیئت وزیران طرح نمایند.

در هیئت وزیران متن پیشنهادی طرح و مورد بحث قرار میگردد و عندالافتضا جرح و تعدیل

بقیه در صفحه بعد

دید و کاربوره‌های مایع یا گازی است (نفت و گازهای آن) که دارنده پروانه انحصاری اکتشاف در صورتیکه واجد شرایطی بوده و درخواست امتیاز کند باید انتخاب شود.

تصویبنامه امتیاز همراه با دفترچه مشخصاتی است که بر اساس دفترچه مشخصات زبونه حاوی قیود و شرایطی میباشد.

۲- استخراج کننده‌ها بهره‌بردار برای مدت محدود و معینی که در دفترچه مشخصات دید شده تعیین میگردد.

۳- بر تعهداتی که در قانون ۱۸۱۰ و قوانین بعدی موجه است تعهداتی که در دفترچه مشخصات پیش بینی شده علاوه میشود.

۴- از آنچه گفته شد معلوم میگردد که دارنده امتیاز حق مالکیت ندارد همینقدر حتی از نوع حقوق غیر منقول دارد که ماهیت آن بدرستی معلوم نیست. این حق غیر منقول قابل رهن میباشد.

۵- در صورتیکه منافع بهره‌داری از حدودی تجاوز نماید قانون دولت را مجاز دانسته که در منافع شریک باشد (۱)

اشخاصی که فقط دارای پروانه استخراج میباشد

روش نوین قانون ۲۸ ژوئن ۱۹۲۷ - این قانون وضع نوینی ایجاد کرده که حد وسط میان بین وضع کشف معدن (۲) و دارنده امتیاز میباشد از اینقرار که برای معادن بقیه از صفحه قبل

و اصلاح و در صورت موافقت اکثریت تصویب میگردد و در هر صورت هر یک از وزیران موافقت یا مخالفت خود را نسبت بطرح پیشنهادی در مقابل عنوان وزارت مربوط درج و امضاء مینمایند. غیر از آیین نامه‌های مصوب هیئت وزیران آیین نامه‌های داخلی در وزارتخانه‌های گوناگون معمول است که آیین نامه اداری نامیده میشود و با تصویب وزیر مربوط کافی است که لازم الاجرا گردد.

۱- امتیازدارندگان طبق قانون ۱۹۱۹ از پیش پرداختهای قابل استرداد دولت مانند امتیازدارندگان قدیم میتوانند استفاده کنند.

۲- لفظ «کاشف» دال بر اینست که شخص عمل کشف را انجام داده و او را میتواند کاشف نامید در مواردی که ما این کلمه را بکار میبریم گاهی این معنی را افاده میکنیم و گاهی هم منظورمان شخصی است که در حال تفحص و کاوش میباشد و بقصد کشف معدن تفحصات و عملیات خود را انجام میدهد گویانکه هنوز کشفی نکرده و بمعنای اصلی کلمه نمیتوان او را کاشف نامید. عبارت دیگر درست تر آنست که در این مورد او را «تفحص کننده» یا «کاوش کننده» بنامیم (Explorateur) اما بمتابعت اصطلاح معمول ما همان کاشف را در هر دو مورد بکار میبریم.